

# عنوان مقاله :

## حق ایران در بستن تنگه هرمز دفاع مشروع یا نقض حقوق دریاها ؟

حق حاکمیت، امنیت ملی، دفاع مشروع

نویسنده:

# محمود رشنواز

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی

، دبی، امارات



Article 51  
UN Charter

UNCLOS 1982  
Article 79

Proportionality  
Necessity

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه)

۱۴۰۵/۰۳/۰۳

## موقعیت جغرافیایی و اهمیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز

دریانوردی، تجارت دریایی و وابستگی اقتصاد جهانی به مسیرهای دریایی، در جهان امروز بر کسی پوشیده نیست. کشتی‌رانی و حمل و نقل از طریق دریا، یکی از به صرفه‌ترین راه‌های جابجایی کالا است که می‌تواند هزینه‌ی زندگی را در نقاط دوردست کنترل کند و برای تمامی جهان، امکانات و وسایل معیشت در حد اکتفا را فراهم کند. اهمیت این مسئله باعث شده است، کشورها راجع به حقوقی خاص به نام حقوق دریاها به مقرراتی موضوعه و عرفی دست پیدا کنند و حتی از حاکمیت‌های ملی خود که در سنت‌های دیرینه وجود داشته است، دست شستند و به مقرراتی گردن نهادند که حاکمیت آنها را محدود می‌کرد. از جمله محدود کردن حاکمیت جغرافیایی به دریای سرزمینی و شناسایی حق عبور برای کشتیرانی خارجی در این محدوده و دیگر مواردی که در راستای آزادی حمل و نقل دریایی به طور متقابل برای تمامی کشورها وجود دارد.

در این بین یکی از مهم‌ترین موقعیت‌های دریایی، بحث آبراه‌های بین‌المللی هستند. این مسیرهای تردد دریایی، از آن رو دارای اهمیت حیاتی هستند که هرگونه ناامنی و انسداد در آنها می‌تواند تجارت جهانی و حمل و نقل دریایی را به شدت مختل نماید. لذا کشورها براساس عرف بین‌الملل و کنوانسیون حقوق دریاها و گاه نیز بر مبنای توافقات دوجانبه، سعی در قانونمند ساختن عبور از این مسیرها نموده‌اند. این موضوع البته تحت تاثیر برخی رخدادهای جغرافیایی، سیاسی، نظامی و امنیتی می‌تواند متغیر باشد، تغییرات ایجاد شده هرچند ممکن است غیرقانونی دانسته شود، ولی با ملاحظه‌ی سایر مقررات حاکم بر قواعد بین‌المللی و البته حقوق کشورهای میزبان و همجوار قابل توجیه خواهد بود.

وضعیتی که برای تنگه هرمز در تجاوز غیرقانونی آمریکایی - صهیونی به ایران ایجاد شد و سوالات حقوقی مهمی را در ذهن‌ها شکل داد. انسداد تنگه هرمز توسط ایران در روزهای نخستین جنگ، به عنوان ابزاری دفاعی و بازدارنده، به مسئله‌ای جهانی تبدیل شد که مسیر و هدف جنگ را حتی تغییر داد. تجاویزی که با اهداف بازداشتن ایران از دست یابی به سلاح هسته‌ای، تغییر نظام حاکمیتی، تجزیه، تسلط بر منابع نفتی و ... شروع شد، در حال حاضر به موضوع بازشدن تنگه هرمز محدود شده است. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که کشورهای متجاوز را به عقب‌نشینی چندباره ترغیب کرده است. تهدیدهایی از جانب این کشورها در قبال ایران صورت گرفته است که نشان از سطح تنش بسیار بالا و خطرناکی دارد که تا به امروز این موضوع محقق نشده است، حال سوال این است که ایران، بر مبنای کدام قواعد و اصول حقوق بین‌الملل و منطق عقلانی، مجاز به انسداد این تنگه است؟ اصولاً این اقدام ایران، چه تبعات قانونی برای او خواهد داشت؟ تجاوز نظامی امریکا و اسرائیل علیه ایران، تا چه اندازه در این موضوع موثر بوده است؟ و البته چالش‌های دیگری که در ذهن متخصصان حقوقی و نظامی ایجاد شده است. امری که محقق شده است و حال بایستی راهکاری برای آن در نظام حقوقی یافت. اگر قواعد بین‌المللی بتواند با تامین منافع تمام کشورها، به این تنش خاتمه دهد، نشان از رشد و تکامل حقوق بین‌الملل است و در صورتی که امکان دست‌یابی به راه حل وجود نداشته باشد، مسئله به گونه‌ای آسیب فراوان برای نظم جهانی به همراه خواهد داشت. در این نوشتار تلاش میکنیم با ابزارهای حقوقی و با توسل به قواعد بین‌المللی و استدلال‌ات منطقی، مسئله را بررسی کرده و در خصوص موضوع به نتایج عملی دست یابیم. برای پاسخ به این پرسش‌ها و چالش‌ها لازم است به تمامی قواعد بین‌المللی و البته حقوق کشورهای همجوار با لحاظ غیرقانونی بودن تجاوز امریکایی - صهیونی توجه کرد. نمی‌توان صرفاً برخی از قواعد بین‌المللی

مانند عبور ترانزیت یا رویه‌ی سابق را در این خصوص مبنای تحلیل قرار داده و اقدام ایران را غیرقانونی دانست. این موضوع البته که در ارتباط مستقیم با موجودیت و اصل دفاع مشروع و حفظ منافع ایران قرار دارد و همین موضوع سبب پیچیده شدن مسئله می‌شود.

### کنترل تنگه هرمز توسط ایران در پرتو حقوق دریاها و حقوق مخاصمات مسلحانه

تنگه‌ی هرمز به عنوان یک آبراه بین‌المللی و مهم جهانی محسوب می‌شود که نزدیک به ۲۰ درصد از نفت و انرژی جهان از این مسیر جابجا می‌گردد. وابستگی اقتصادی کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس به ترانزیت مواد نفتی و صادرات از این مسیر و نیز دریافت واردات و کالاهای مورد نیاز خود موجب شده است، نقش تنگه هرمز در معیشت، اقتصاد و توسعه‌ی کشورهای مجاور انکارناپذیر باشد. به گونه‌ای که می‌توان گفت هرگونه اختلال در عبور و مرور از تنگه حتی قیمت مواد غذایی و سوخت را در آمریکا و غرب تحت تاثیر قرار می‌دهد. با این حال، کشورهای غربی و البته تمامی کشورهایی که خود را نیازمند به عبور و مرور دریایی می‌دانند، در تکوین و اجرای حقوق بین‌الملل دریاها و حق عبور از آبراه‌های بین‌المللی تلاش‌هایی داشته‌اند که به نظام حقوقی عبور بی‌ضرر و حتی عبور ترانزیت که مزیت بیشتری برای کشورهای غیر همجوار دارد، منجر شده است. این مسئله آسودگی خیالی برای تجارت جهانی و دریانوردی ایجاد می‌کند چرا که قواعد مذکور مگر در موارد استثنایی، از جانب کشورهای همجوار و غیرهمجوار به جهت عرفی بودن مراعات شده و نوعی همزیستی مسالمت آمیز را ایجاد کرده است.

در تمام سال‌هایی که زمزمه‌های جنگ و گزینه‌های نظامی علیه ایران توسط آمریکا و برخی از کشورهای دیگر مطرح می‌شد، عموماً یکی از موارد دفاعی مورد استناد ایران، بستن و انسداد تنگه هرمز بوده است. این موضوع با اما و اگرهایی مطرح می‌شد و حتی برخی از تحلیل‌گران داخلی در خصوص امکان انجام این مسئله هم از جنبه‌ی فنی و هم حقوقی اظهار تردید می‌کردند. از سوی دیگر به جهت تبعات اقتصادی و سیاسی این مسئله، امکان تحقق این امر دور از ذهن به نظر می‌رسید. این تردیدها و انتظارات با شروع جنگ رمضان، تجاوز امریکایی - صهیونی علیه ایران پایان یافت و نیروهای نظامی ایران، به تمام دنیا و تحلیل‌گران ثابت کردند که ادعای آن‌ها، مبتنی بر واقعیت بوده و نه تنها می‌توانند کنترل تنگه را در کوتاه مدت در اختیار داشته باشند بلکه توان استمرار این وضعیت نیز برای آنان مقدور است، حتی تهدیدات وحشیانه و تجاوزات غیرقانونی و جنایات جنگی متجاوزین نیز منجر نشد، ایران از این سلاح کارساز خود دست بردارد. حال باید دید که از منظر حقوق و مقررات بین‌المللی و رژیم حقوقی حاکم بر این آبراه بین‌المللی، این اقدام ایران و تهدید آمریکا به اقدام متقابل چه وضعیتی دارد؟ چنانچه گفته شد، ایران در موقعیتی قرار گرفته است که نمی‌توان راجع به برخی از قواعد عرفی و موضوعه‌ی بین‌المللی سخن گفت که، صرفاً در پی تامین منافع اقتصادی برخی کشورها باشد. ایران تحت شدیدترین بمباران‌ها قرار گرفته، خسارات مادی و معنوی عظیمی را متحمل شده و هر لحظه از جانب بزرگترین جنایتکاران تاریخ تهدید می‌شود، تهدید به نابودی تمدن، تهدید به نابودی زیرساخت‌ها و از این قبیل، حال منطق و اصول عقلایی و البته انسانی را بایستی در کنار قواعد حقوقی قرار داد و استدلالی منطقی ارائه داد تا بتوان رفتار ایران را در کنترل تنگه‌ی هرمز مورد بررسی قرار داد. وضعیت ایجاد شده در تنگه هرمز نتیجه اقدامات غیرقانونی آمریکا و رژیم صهیونیستی و البته مشارکت برخی کشورهای منطقه در این تجاوز می‌باشد، این مسئله با اقدام آمریکا در محاصره‌ی دریایی ایران بعد از اعلام آتش بس، به یک جنگ دریایی و رقابت در آب‌های جنوب

ایران تبدیل شد و عملاً جبهه‌ی نبرد از موضوعات پیش از جنگ به مسئله‌ی تجارت دریایی در تنگه هرمز تبدیل شد، مسئله‌ای که در حال حاضر راه‌حلی برای آن نه در عرصه‌ی نظامی و نه در حوزه‌ی دیپلماتیک و حقوقی پیدا نشده است.

پیش از یافتن راه حل و تشریح موضوع لازم است راجع به خصوصیات حقوق دریاهای بین‌الملل متذکر شویم که یکی از مترقی‌ترین و البته اجرایی‌ترین شاخه‌های حقوق بین‌الملل، حقوق دریاهاست، این شاخه از حقوق به تنظیم رفت و آمد در دریاهای، آبراه‌های بین‌المللی، ماهی‌گیری و استفاده از منابع دریاهای و دیگر امور مربوطه می‌پردازد، حقوق دریاهای توانسته است با مقررات موضوعه و عرفی ایجاد شده، این صحنه‌ی بزرگ را مدیریت نماید. مهم‌ترین کنوانسیون‌های مرتبط با حقوق دریاهای، کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو و ۱۹۸۲ جامائیکا حقوق دریاهاست که با عنوان قانون اساسی دریاهای آن یاد می‌شود. این کنوانسیون به عنوان یک معاهده‌ی قانون‌ساز تضمین‌کننده‌ی قواعد کلی و جزئی در خصوص دریاهاست. این سند بین‌المللی که دارای جنبه‌ی حاکمیتی می‌باشد، روابط دولت‌ها را در عرصه‌ی آب‌ها تنظیم می‌کند ولی تمام‌کننده‌ی مسائل و چالش‌های حقوق دریاهای محسوب نمی‌شود. ایجاد مسائل جدید از جمله اقدامات نظامی کشورها، مسائل مربوط به محیط زیست، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، موجب شده است نیاز جدی و اساسی به پویایی و تحرکات لازم در این حوزه وجود داشته باشد.

این موضوع یعنی حقوق بین‌الملل دریاهای، حقوق مربوط به عبور و مرور دریایی و دیگر حقوق و تکالیفی که برای کشورها در این ارتباط ایجاد شده است، موضوعی است که بایستی با توجه به موقعیت جنگی ایجاد شده، در ارتباط با حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق بشردوستانه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. دو هدف مهم در حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود دارد که عبارتند از: حمایت از افراد و اهداف غیرنظامی و کاستن از زیان‌های وارده و دردهای بیشتر نسبت به انسان‌ها. در حقوق بشر دوستانه و حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌الدولی عمدتاً اصولی وجود دارد که به این اهداف خواهد رسید از جمله اینکه در ماده ۴۸ پروتکل اول ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو راجع به تفکیک اهداف نظامی و غیرنظامی تکالیفی برای طرفین ایجاد کرده است. اصل تفکیک مانع از هرگونه تجاوز نظامی با توسل به این اصل نامشروع خواهد بود. موضوعی که در تجاوزات و حملات آمریکایی - صهیونی نسبت به ایران دیده می‌شود. در واقع این متجاوزان به استناد اصل دفاع مشروع پیش‌دستانه، نه تنها تجاوز خود را توجیه می‌نمایند بلکه نسبت به هرگونه تفکیک نظامی و غیرنظامی، خود را مختار می‌دانند. ماده ۵۱ پروتکل اول بیانگر اصل تناسب است و نیز ماده ۵۷ اصل احتیاط را عنوان می‌کند که هر دو این اصول راجع به رعایت حقوق غیرنظامیان و پیشگیری از ایراد صدمه و خسارت به آن‌ها می‌باشد. اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه با ایجاد محدودیت‌هایی برای اقدامات نظامی، توسل به زور را نیز قاعده‌مند می‌سازد. قواعد حقوق بشردوستانه، متکی بر حق کشور مورد تجاوز به دفاع از خود است. این دفاع محدود به ابزارهای جنگی نیست، به عبارت دیگر اگر کشورهای متجاوز به استناد اصول دفاع مشروع پیش‌دستانه اقدام به تجاوز نظامی بدون لحاظ مقررات حقوق جنگ نموده‌اند، مسلماً برای ایران، این حق ذاتی وجود دارد که بتواند از ابزارهای غیرنظامی نیز به طریق اولی برای دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی خود استفاده کند. این موضوع حتی می‌تواند به عنوان یک عرف و حق مسلم نیز مورد شناسایی قرار گیرد چرا که آسیب‌های کمتری نسبت به اقدام نظامی برای آن متصور است.

یکی از موضوعات مهم و مورد توجه حقوق دریاهای، مربوط به آبراه‌های بین‌المللی است به راه‌های ارتباطی آبی، آبراه‌های بین‌المللی گفته می‌شود که به سه دسته رودخانه‌های بین‌المللی، تنگه‌های بین‌المللی و کانال‌های بین‌المللی تقسیم می‌شوند. این آبراه‌ها بدان جهت که مورد استفاده کشتی رانی قرار می‌گیرند، از اهمیت بالایی برخوردار هستند. تنگه به شاخه‌ای از دریا گفته می‌شود که بین دو خشکی واقع شده است و دو دریا را به هم متصل می‌کند. تنگه‌های بین‌المللی به موجب بند ۴ ماده‌ی ۱۶ عهدنامه‌ی ۱۹۵۸ به این شکل تعریف شده است: تنگه‌هایی که برای کشتیرانی بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته و بخشی از دریای آزاد را به بخش دیگری از دریای آزاد و یا به دریای سرزمینی کشور دیگر مرتبط می‌سازد تنگه‌های بین‌المللی گفته می‌شود. با این اوصاف تنگه‌ی هرمز در جایگاه تنگه‌های بین‌المللی قرار می‌گیرد و بایسته است قواعد موضوعه و عرفی حقوق دریاهای با در نظر گرفتن منافع دولت‌های مجاور بر این آبراه حاکم باشد. این آبراه بین‌المللی برای کشتیرانی تجاری یا نظامی کشورها به غیر از کشورهای اطراف مورد استفاده قرار می‌گیرند.

رژیم حقوقی حاکم بر تنگه‌ی هرمز و به طور کلی تمامی آبراه‌های بین‌المللی در تعارض با دو موضوع بایستی بررسی و تعیین شود، اول منافع کشورهای مجاور تنگه و دوم حق تردد سایر کشورها و به رسمیت شناخت حق کشتیرانی و تجارت دریایی برای کشورهای غیر عضو، در واقع اجرای هر گونه رژیم حقوقی در تنگه‌ی هرمز باید با لحاظ منافع هر دو گروه کشورهای مجاور و غیرمجاور و عبوری تعیین گردد.

در اهمیت تنگه‌ی هرمز از جهت آنکه معبری برای تردد ۲۰۰۰۰ کشتی در سال بوده و بیش از ۲۰ درصد نفت جهان از این آبراه عبور می‌کند، نمی‌توان تردید کرد، البته که این اهمیت برای کشورهای مجاور باعث دغدغه‌هایی شده است و امنیت منطقه را دستخوش طمع‌کاری چپاول‌گران در تاریخ قرار داده است. دو کشور ایران و عمان در مجاورت این تنگه قرار دارند و از این بین به جهت آنکه شش جزیره استراتژیک ایران در منطقه ورودی خلیج فارس (هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی) به روی یک خط منحنی فرضی دفاعی قرار گرفته‌اند دارای موقعیتی خاص از جهت مجاورت و امکان کنترل بر تنگه می‌باشد. ایران یک بازیگر مهم در خلیج فارس است و ایجاد هرگونه رژیم حقوقی ایمن در این منطقه منوط به همکاری ایران و البته در نظر گرفتن منافع آن است. ایران در طی سالیان طولانی و البته در سال‌هایی که تحت شدیدترین فشارهای بین‌المللی از جهت اقتصادی و سیاسی قرار داشته است، همچنان به اصول و قواعد بین‌المللی در شناخت حق عبور و کشتی‌رانی کشورهای غیرمجاور احترام گذاشته است، امنیت تنگه را برای عبور و مرور تجاری تامین کرده و مشکلی در این موضوع نه برای کشورهای مجاور خلیج و نه سایرین ایجاد نکرده است.

تنگه‌ی هرمز به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود و ارتباطی که بین کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس با آب‌های آزاد ایجاد می‌کند، برای تمامی کشورهای منطقه از اهمیت حیاتی برخوردار است ولی تنها در قلمرو حاکمیتی دو کشور ایران و عمان قرار دارد. رژیم حقوقی حاکم بر آبراه‌های بین‌المللی تابع یک از این دو دسته قواعد است: عبور ترانزیت و عبور بی‌ضرر، هر کدام از این دسته قواعد، حقوقی برای کشور مجاور و غیرمجاور به رسمیت شناخته است که در روابط آن‌ها قابلیت اجرایی خواهد داشت. بر اساس مقررات کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو و همچنین عرف حاکم بر حقوق دریاهای، رژیم حقوقی حاکم بر تنگه‌ی هرمز، رژیم عبور بی‌ضرر است. این موضوع در ماده ۳۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای نیز به رسمیت شناخته شده و عنوان شده

است: کنوانسیون حقوق دریاها بر نظام حقوقی تنگه‌هایی که عبور و مرور از آنها کلاً یا جزئاً براساس عهدنامه‌های خاص از مدت‌ها پیش معمول بوده و همواره مجراست خدش‌های وارد نخواهد کرد. حق عبور بی‌ضرر در مقابل عبور ترانزیت واجد مقررات ذیل است :

- ۱- دولت ساحلی حق ایجاد مانع برای ناوهای در حال عبور را دارد؛
- ۲- دولت ساحلی حق تعلیق حق عبور را در زمان صلح هم جنگ را دارد.
- ۳- در صورت نقض تعهدهای عبور بی‌ضرر توسط ناو در حال عبور از تنگه، دولت ساحلی حق اتخاذ تدابیری را دارد؛
- ۴- ناوهای در حال عبور متعهد به برافراشتن پرچم کشور متبوع خود هستند؛

این حقوق شناخته شده برای کشورهای مجاور تنگه در عبور ترانزیت وجود ندارد. مضافاً بر اینکه ایران در تنگه‌ی هرمز دارای آب‌های سرزمینی است. هرچند برخی معتقدند به استناد کنوانسیون حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲، رژیم حقوقی حاکم بر تنگه‌ی هرمز مشمول عبور ترانزیت بوده و حقوق ایران در این شیوه، کاهش می‌یابد ولی به استناد کنوانسیون ۱۹۵۸ و به جهت عدم تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲ توسط ایران، رژیم حقوقی فعلی حاکم بر تنگه‌ی هرمز همان عبور بی‌ضرر است که ایران را قادر می‌سازد کنترل خود بر تنگه را بخصوص در دوران جنگ افزایش دهد و هر گونه اقدامی در جهت تعلیق عبور کشتی‌ها و جلوگیری از تردد آن‌ها مبتنی بر قانون و عرف بین‌المللی خواهد بود. علی‌رغم اینکه ایران کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها را امضا کرده است ولی مطابق حقوق داخلی ایران، به تصویب نرسیده و اعلامیه‌ی پذیرش آن نیز صادر نشده است. شاید هوشمندی مسئولانی که برخی از موارد این کنوانسیون را مانع از پذیرش نهایی دانستند، در حال حاضر مشخص باشد که به استناد چند مسئله‌ی مهم از پذیرش نهایی اجتناب شد و در حال حاضر مشخص است که دوراندیشی آن‌ها، ابتکار عمل را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار داده است این چهار مورد عبارتند از:

۱- حل اجباری اختلافات اعضای کنوانسیون بخصوص در اختلافات ایران و امارات متحده عربی بر سر جزایر سه گانه ۲- موضوع عبور کشتی‌های نظامی از دریای سرزمینی ۳- مسأله عبور ترانزیتی از تنگه‌های بین‌المللی که از نظر نظامی، سیاسی و اقتصادی در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز برای ایران حائز اهمیت است و ۴- موضوع تحدید حدود مناطق دریایی در بین این موضوعات، مسئله نظام حقوقی تنگه هرمز، در حال حاضر مورد استناد ایران قرار گرفته است و همان عبور بی‌ضرر مبنای عمل جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. در واقع عدم پذیرش کنوانسیون ۱۹۸۲ به عنوان مستند قانونی ایران جهت تعلیق عبور از تنگه هرمز قرار گرفته و امری است کاملاً مبتنی بر قوانین و مقررات موجود.

علاوه بر مقررات صریح حقوق دریاها در این زمینه، می‌توان گفت ایران به جهت برخورداری از آب‌های سرزمینی در تنگه‌ی هرمز از این حقوق بهره‌مند است و می‌تواند در مواقع اضطرار و تهدید نظامی، از آن‌ها استفاده کند. اصل مهم دیگری که در حقوق بین‌الملل و در پیروی از قواعد پیش‌گفته می‌تواند موید حقوق ایران در انسداد تنگه و کنترل عبور و مرور بخصوص در زمان جنگ باشد، اصل حاکمیت ملی دولت‌هاست. این اصل به عنوان یکی از اصول مهم و شناخته شده در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. بر اساس آن دولت‌ها حق دارند با در نظر گرفتن منافع ملی خود نسبت به سرزمین خاکی و آبی خود تصمیمات مبتنی بر قانون اتخاذ نمایند. چنانکه سخنگوی وزارت خارجه‌ی ایران در پیامی که در پاسخ به اظهارات رهبران جهان نسبت

به گرانی بنزین انجام شده بود، بیان داشت که دنیا به فکر هزینه‌ی سوخت است و ما در اندیشه‌ی حفظ جان مردم ایران، مسلماً حفظ جان ایرانیان و البته غیرنظامیان که در خطر تجاوزات وحشیانه و مغول وار آمریکایی - صهیونی قرار دارد، به عنوان منافع ملی محسوب می‌شود و بر دیگر مرجحات اقتصادی و سیاسی ایر کشورهای غیرمجاور برتری دارد که خود عامل موجهه در کنترل تنگه‌ی هرمز می‌تواند قرار گیرد. ایرانیان در جنگ اخیر، در راستای دفاع از منافع ملی و حاکمیت سرزمینی خود، اقدامات محدود کننده د تنگه هرمز را اعمال نمودند، این در حالی است که جز امریکا هیچ کشوری برای حل این مسئله، متوسل به گزینه نظامی نشده است و حتی از همکاری‌های محدود با رئیس جمهور امریکا به صراحت اجتناب نموده‌اند.

به استناد قواعد حاکم بر عبور بی‌ضرر و حقوق ایران به جهت برخورداری از آب‌های سرزمینی مجاور جزایر شش گانه و با در نظر گرفتن اصل حاکمیت ملی، ایران این حق را برای خود قائل شده است که در صورتی که منافع ملی خود را در خطر ببیند و امنیت منطقه و خط ساحلی را در معرض تعرض و تجاوز بداند، نسبت به کنترل عبور و مرور بر تنگه اقدام نماید. تعبیر انسداد و بستن تنگه در رابطه با اقدامات اخیر ایران در جنگ رمضان البته تعبیری کاملاً مبتنی بر واقعیت نیست چرا که این اقدامات موقتی بوده و هر زمان با اراده‌ی ایران بازگشت پذیر است مضافاً بر اینکه این انسداد کامل نبوده و برخی از کشتی‌ها امکان تردد با ریزنی و ایجاد اعتماد را دارند. براساس نظام عبور بی‌ضرر که حاکم بر تنگه هرمز است، حتی در زمان صلح و شرایط عادی نیز ایران میتواند از عبور کشتی‌های جنگی و جاسوسی جلوگیری کند. در واقع اقدام ایران در کنترل بر تنگه‌ی هرمز، مبتنی بر حسن نیت بوده و تنها خواسته‌ی مطرح شده، توقف تجاوز، کشتار و تخریب زیرساخت‌هایی است که در حال حاضر به یک جنایت جنگی تبدیل شده است، حسن نیت ایران از آن‌جا قابل استنباط است که هیچ‌گونه زیاده‌خواهی در قبال این کنترل مشاهده نمی‌شود. حق انسداد و هرگونه کنترل دیگر بر تنگه به وضوح در کنوانسیون ۱۹۵۸ که ایران بدان پیوسته است در زمانی که یکی از کشورهای مجاور با تنگه با کشور ثالثی در حال جنگ باشد، برای این کشور وجود خواهد داشت.

در سال‌های اخیر دولت آمریکا تلاش‌های فراوانی برای ایجاد یک اتحادیه‌ی منطقه‌ای نموده است تا بتواند کنترل این تنگه را از اختیار کشورهای همجوار خارج نماید، مسلماً اهداف اقتصادی و نظامی در پس این تصمیم قرار دارد. با توجه به اینکه این ائتلاف نیاز به مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد مبتنی بر ماده ۵۲ منشور ملل متحد دارد، در چهلمین روز از جنگ رمضان، با پیشنهاد بحرین، این موضوع در شورای امنیت مطرح شد که با وتوی چین و روسیه، تصویب نشد و طرح آمریکایی ارائه شده ناکام ماند. هرچند این پیشنهاد از سوی کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس ارائه شد ولی کاملاً مشخص بود که اداره‌ی این ائتلاف در اختیار نیروهای نظامی آمریکایی قرار خواهد گرفت. از آنجا که ماده ۵۲ منشور سازمان ملل تاسیس سازمان‌های منطقه‌ای برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را مجاز می‌داند، کلمه منطقه‌ای به خودی خود نشان دهنده حضور اشتباه آمریکا در این ائتلاف می‌باشد زیرا واضح و روشن است که آمریکا دولتی منطقه‌ای نیست و نباید در این ائتلافات منطقه‌ای شرکت کند. بنابراین در اولین اقدام قانونی نیز، نمی‌توان جایی برای حضور آمریکا در این ائتلاف در نظر گرفت. از سوی دیگر اقدام نظامی منطقه‌ای بدون مجوز شورای امنیت نیز قانونی نمی‌باشد چنانکه ماده ۵۳ منشور این را هم مقرر می‌دارد که «هیچگونه عملیات اجرایی به موجب قراردادهای منطقه‌ای یا توسط موسسات منطقه‌ای بدون اجازه شورای امنیت» متصور نیست. حضور غیرقانونی آمریکا در منطقه به وضوح موجب به خطر افتادن امنیت منطقه و منافع ملی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس شده است، ایجاد پایگاه‌های نظامی، استقرار کشتی‌های نظامی، ناو و ناو شکن، موقعیت امنیتی و نظامی را ایجاد کرده

است. حال دولت امریکا تهدید کرده است به محاصره‌ی تنگه‌ی هرمز، این تهدید البته بدون کسب مجوز شورای امنیت صورت می‌گیرد، حضور امریکا در منطقه مبتنی بر قانون نیست و از سوی دیگر انسداد تنگه توسط کشوری ثالث، کاملاً غیرقانونی است، این در حالی است که امریکا ایران را متهم می‌کند حق عبور ترانزیت کشتی‌ها را باید به رسمیت بشناسد، ایران کشور همجوار است و امریکا ثالث محسوب می‌شود ولی خود را محق به انسداد تنگه می‌داند حتی با وجود مخالفت شورای امنیت با این اقدام، غیر قانونی بودن این اقدام کاملاً آشکار است.

با توجه به اینکه حضور امریکا در منطقه عمدتاً با کشتی‌های نظامی است و ایران نیز دارای آب‌های سرزمینی به جهت طول سواحل و جزایر شش‌گانه می‌باشد، به استناد ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ اگر کشتی نظامی مقررات را رعایت نکند و یا به درخواست رعایت از سوی کشور ساحلی توجه نکند، کشور ساحلی میتواند از آن بخواهد که فوراً دریای سرزمینی را ترک کند. به استناد ماده ۳۱ نیز اگر خساراتی ناشی از نقض قواعد متوجه کشور ساحلی شود، کشور صاحب پرچم مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت.

حضور امریکا در منطقه‌ی خلیج فارس، بخصوص در حال حاضر که با انگیزه‌ی محاصره‌ی تنگه‌ی هرمز نیز مطرح شده است می‌تواند ناقض بسیاری دیگر از حقوق و تکلیف بین‌المللی این دولت باشد که در ارتباط مستقیم با حقوق دریاها قرار دارند یا به عنوان سایر تکالیف حقوقی مانند حقوق بشر قابل تعریف هستند. حضور امریکا در این منطقه صرفاً ناقض قواعد حقوق دریاها نیست، بلکه تهدیدی علیه صلح و امنیت منطقه است، تجاوز غیرقانونی این دولت به ایران، ناقض حقوق بشردوستانه بوده و جنایات جنگی را محقق کرده است. حق حیات ایرانیان در معرض تهدید قرار گرفته و منافع ملی و امنیتی ایران نقض شده است. این موضوع مورد توجه دیوان بین‌المللی حقوق دریاها قرار گرفته است چنانکه در آرای سال ۱۹۹۹ و ۲۰۱۵ اعلام داشت: ملاحظات انسان‌دوستانه در حقوق دریاها همانند سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل باید اجرا گردد. حضور امریکا، محاصره‌ی تنگه‌ی هرمز می‌تواند خطرات جدی برای اقتصاد جهانی داشته باشد. دیوان اروپایی حقوق بشر، آزادی دریاها را در کنار سایر تعهدات حقوق بین‌الملل بویژه حقوق بشر مورد توجه قرارداد و چنین تفسیر کرد که آزادی در دریاها به معنای بی‌قانونی آن نیست. دیوان در پرونده‌ی مدودیو علیه فرانسه (۲۰۱۰) عنوان داشت: ماهیت خاصی که بر عرصه‌ی دریاها حاکم است نمی‌تواند واجد فضای بی‌قانونی باشد. دیوان اروپایی حقوق بشر، اصول حقوق دریاها از جمله حق عبور ترانزیت و بی‌ضرر را در کنار سایر قواعد حقوق بین‌الملل قابل تفسیر می‌داند. این آزادی نمی‌تواند عامل به خطر افتادن حق حیات و حاکمیت سرزمینی کشورها شود. با این اوصاف و با تاکید بر حق ذاتی و مشروع ایران در دفاع از منافع ملی و حق حیات اتباع خود و با عنایت به حسن نیت ایران در کنترل عبور و مرور تنگه‌ی هرمز، اقدامات ایران مبتنی بر قانون و قواعد بین‌المللی است، از سوی دیگر هرگونه استمرار و توسعه‌ی حضور امریکا در تنگه‌ی هرمز می‌تواند منافع کشورهای منطقه و حتی جهان را تهدید کند، چه اینکه این حضور با رای منفی شورای امنیت نیز به شکلی واضح، فاقد مبنای قانونی می‌باشد.

### حق ایران در کنترل تنگه هرمز مبتنی بر اصل دفاع مشروع

در قواعد بین‌المللی و نیز در اصول حقوق داخلی، اصلی به نام دفاع مشروع مورد شناسایی قرار گرفته است؛ دفاع مشروع، نوعی تهاجم است که با لحاظ برخی شرایط، از خصوصیت رفتار مجرمانه و متخلفانه برخوردار نیست. دفاع مشروع، دکترینی است که

شرایط اعمال آن تفاوتی از جهت داخلی و بین‌المللی بودن، ندارد و همچنین ارتکاب آن توسط شخص حقیقی یا دولت‌ها یا گروه‌های غیردولتی تفاوت چندانی در احراز شرایط و چگونگی دفاع ایجاد نمی‌کند. در عرصه‌ی بین‌المللی دفاع مشروع در مقابل رفتار متجاوزانه دولت‌ها و گروه‌های غیردولتی قابل بررسی است. این دکترین در ماده ۵۱ منشور ملل متحد مورد شناسایی قرار گرفته است و تجاوز مسلحانه می‌تواند مبنای دفاع مشروع قرار گیرد. تجاوزی که از جانب دشمن آمریکایی - صهیونی انجام شده و ایران را در مقام دفاع مشروع از خود در جایگاهی ویژه قرار داده است و ابزار جغرافیایی را برای این دفاع برگزیده است. این تئوری بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و حمله به برج‌های دوقلو در آمریکا، به شکلی دیگر مطرح شد؛ به عبارت دیگر دکترین دفاع مشروع، داری جنبه‌ی موسع‌تری شد به نام دکترین حمله پیش‌دستانه؛ این دکترین به عنوان توجیهی برای بسیاری از جنگ‌ها و تجاوزات بعد از طرح آن قرار گرفته است به واقع دکترین حمله پیش‌دستانه با تفسیری موسع از اصل دفاع مشروع، به دولت‌ها این اجازه را می‌دهد که بدون وقوع هیچ تجاوز قریب‌الوقوعی، اقدام به دفاع نمایند. هرچند شناسایی این تئوری در حقوق بین‌الملل به شکلی کامل انجام نشده است ولی بایستی گفت، به طریق اولی دفاع مشروع در معنای خاص را توجیه می‌کند. حتی اقدام ایران در قالب دفاع پیش‌دستانه نیز قابل توجیه است چرا که یکی از مواردی که می‌توان از دفاع مشروع پیش‌دستانه در رابطه با اقدامات امنیتی ایران در تنگه هرمز نام برد، به این شکل است که دولتی یکبار مورد حمله مسلحانه قرار گرفته است و در حال حاضر نیز شواهد قانع‌کننده‌ای مبنی بر حمله مجدد دشمن در آینده وجود دارد. در این حالت کشوری که قربانی جرم تجاوز شده است بر اساس این شرایط متقاعدکننده لزومی ندارد منتظر وقوع تجاوز جدید باشد. مضافاً بر اینکه مسئله محاصره‌ی دریایی نیز می‌تواند در حال حاضر به پیچیده‌تر شدن مسئله بیانجامد. نمی‌توان انتظار داشت آمریکا بدون هیچ‌گونه حقوق سرزمین و تجاری، اقدام به محاصره‌ی دریایی نماید و از سوی دیگر ایران با لحاظ تمامی حقوق سرزمین و دفاعی خود، اقدام متقابل انجام ندهد.

اصل دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل و تحت قواعد ماده ۵۱ منشور ملل متحد بیانگر آن است که این اصل نه تنها موجب حق دفاع مشروع است بلکه مانعی بر توسل دولت‌ها به زور در عرصه‌ی بین‌المللی خواهد شد. در واقع تعیین شرایط دفاع مشروع، تکلیف به رعایت آن را برای اعضای جامعه‌ی بین‌المللی ایجاد می‌کند. منع توسل به زور، اصلی است کلی و دفاع مشروع صرفاً حالت استثنایی آن است که امکان تفسیر موسع آن و نیز امکان ایجاد فروعات و حالت‌های مختلف برای آن وجود ندارد. در ماده ۵۱ منشور ملل متحد مسئله‌ای اساسی به نام تناسب و دفاع مشروع وجود دارد که باید با قواعد عرفی و بر مبنای توجیهات منطقی احراز گردد. دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص این مسئله به این شکل اظهار نظر داشته است: شرایط دفاع مشروع، ضرورت و تناسب یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است. موضوع دفاع مشروع در قضیه‌ی سکوه‌های نفتی و نیز قضیه‌ی نیکاراگوا که در هر دو موضوع، ایالات متحده آمریکا به اصل دفاع مشروع برای اقدامات خود استناد کرده بود مورد توجه دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفته است و در هر دو، دیوان بین‌المللی دادگستری به صراحت استناد به اصل دفاع مشروع را صرفاً در شرایطی مورد توجه قرار داده است که همراه با قرائن و شواهد معقول باشد و نیز ادعاهای مطرح شده توسط آمریکا را در این حوزه رد کرده است. حال اگر تناسب و ضرورت دفاع مشروع به شکلی که در حال حاضر از جانب ایران انجام می‌پذیرد، صورت گیرد، می‌توان عنوان داشت که ایران نه تنها در مقام دفاع مشروع از سلاح‌های نظامی استفاده نکرده است، بلکه تلاش بر این بوده که با تهدید و اعمال کنترل امنیتی بر یک آبراه بین‌المللی تحت حاکمیت خود، هم از خود و هم از امنیت آینده

منطقه محافظت نماید. موضوعی که در حال حاضر با محاصره‌ی دریایی آمریکا در دریای عمان به عینه قابل مشاهده است و می‌تواند مبنای عمل ایران قرار گیرد. تا زمانی که تهدیدات آشکار دشمن متجاوز وجود دارد و حتی در برخی از موارد، تحرکاتی نیز ملاحظه می‌شود، می‌توانیم بگوییم، این حق ذاتی برای ایران قابل تصور است.

آنچه از قواعد موضوعه و رویه‌ی جاری در حقوق بین‌الملل استنباط می‌شود این است که ماده ۵۱ منشور ملل متحد و توسل به اصل دفاع مشروع در چارچوب اصل منع توسل به زور، منع مداخله و اصل استقلال و تمامیت ارضی کشورها، قابل تفسیر و توجیه است.

به استناد ماده ۳۹ فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد شورای امنیت وظیفه تشخیص هر گونه تهدید علیه صلح را دارد که دربرگیرنده‌ی نقض صلح و اقدام تجاوزکارانه است و می‌تواند تصمیم بگیرد چه اقداماتی بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲ برای حفظ، احیای صلح و ثبات بین‌المللی ضروری است. فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد برای شورای امنیت این سازمان اختیار و تکلیفی را قائل شده است که در مواقع وجود هرگونه تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ تصمیم نماید. این فصل از منشور سازمان ملل متحد، به گونه‌ی دیگری در راستای اجرایی سازی منع توسل به زور و اقدامات تجاوزکارانه‌ی خودسرانه‌ای است که می‌تواند نقض حقوق بین‌المللی را در بر داشته باشد. به عبارت دیگر با وجود سازوکار پیش‌بینی شده در مواد ۳۹ به بعد منشور ملل متحد، توسل به دفاع مشروع پیش‌دستانه، قابل توجیه نخواهد بود.

در جریان کنترل ایران بر تنگه هرمز از جهت عبور و مرور کشتی‌ها که با محاصره‌ی دریایی آمریکا به یک تنش در عرصه‌ی دریایی و جنگ بین دو نیروی دریایی منجر شده است، مسئله‌ی کنترل ایران بر کابل‌های اینترنتی واقع در تنگه هرمز نیز مطرح شده است. این موضوع نیز به استناد ماده ۷۹ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ به کشورهای ساحلی اجازه می‌دهد برای کابل‌هایی که وارد آب‌های سرزمینی‌شان می‌شوند، شرایطی تعیین کنند. با توجه به اینکه کابل‌های زیردریایی، ستون اصلی اینترنت جهانی هستند، قطع و هرگونه ایجاد اختلال در عملکرد آن‌ها می‌تواند موجب اختلال‌های دیجیتالی بسیار شوک‌آوری برای جهان و کشورهایی باشد که از این ارتباطات بهره می‌برند. این گزینه نیز می‌تواند برای ایران به عنوان یکی از ابزارهای دفاعی و بازدارنده در محافظت از منافع ملی و حقوق مردم ایران مورد استفاده قرار گیرد. بازدارندگی هرگونه کنترل بر کابل‌های اینترنتی موجب کندی در ارتباطات نظامی، بانکداری، هوش مصنوعی و حتی تجارت جهانی خواهد شد.

اقدامات ایران در تنگه هرمز از قبیل کنترل عبور و مرور دریایی، برنامه ریزی برای کنترل و حتی قطع کابل‌های اینترنت جهانی، نوعی اقدام متقابل ایران در قبال تحریم‌های غرب است محسوب می‌شود. غربی‌ها سال‌هاست که با استفاده از موقعیت برتر تجاری و اقتصادی خود، هرگونه تحریم اقتصادی را علیه ایران مورد استفاده قرار می‌دهند و از اعمال هرگونه محدودیت علیه ایران، ابائی ندارند. به نظر می‌رسد که ایران نیز در موضعی قرار گرفته است که می‌تواند در برابر این اقدامات خصمانه، اقدامات متقابلی را اتخاذ کند و از موقعیت ژئوپولوتیکی و جغرافیایی خود برای حفظ منافع ملی و حقوق مردم ایران بهره ببرد. این اقدامات متقابل ایران تنها به کنترل عبور و مرورها از تنگه هرمز محدود نمی‌شود، بلکه شامل هر گونه اقدامی بر علیه ارتباطات الکترونیکی است که از طریق کابل‌های زیردریایی تأمین می‌شود. به عبارت دیگر زمانی که مردم ایران متحمل برخی

از کمبودها در مواد غذایی، دارویی و صنعتی هستند، کشورهای غربی نیز باید در همین وضعیت قرار بگیرند. نمی‌توان انتظار داشت که اقدامات یکجانبه باشد و ایران از امکانات در اختیار خود استفاده نکند.

البته که قطعی اینترنت و ایجاد اخلاص در اینترنت جهانی، تا به امروز از طرف مقامات ایرانی به صراحت موضع‌گیری نشده و نظر فنی و سیاسی راجع به این مسئله در حال حاضر دیده نمی‌شود. با این حال برخی از رسانه‌های آمریکایی مدعی این مسئله هستند که ابزار در اختیار ایران می‌تواند عاملی بازدارنده جهت حفظ حاکمیت ملی و البته تمامیت سرزمینی باشد. این ابزار دو لبه، می‌بایستی با احتیاط در اظهارنظرها و البته در اقدامات مقامات ایرانی مورد استفاده قرار گیرد. بعبارت دیگر، نمی‌توان بی‌مهابا و بدون در نظر گرفتن عوارض فنی و سیاسی این مسئله، قائل به استفاده از آن شد یا در صورت وقوع جنگ بدون بررسی کامل فنی و محاسباتی، در این ارتباط اقدام کرد، لازم است اقدام آتی ایران در این ارتباط مبتنی بر کارشناسی‌های فنی و تدابیر منطقی باشد تا بتواند از این ابزار مهم به سود خویش و حاکمیت ملی بهره‌برداری کند.

اقدامات ایران در اعمال محدودیت‌ها بر تنگه هرمز را نمی‌توان مبتنی بر آسیب فیزیکی و تهدید به آن دانست. ایران در واقع به عنوان کشور میزبان و محل عبور این کابل‌ها، امنیت لازم برای استقرار و اداره این کابل‌ها را تامین می‌کند. ایجاد امنیت برای کشورها و شرکت‌هایی که در از این مواهب استفاده می‌کنند دارای هزینه‌هایی است. نمی‌توان انتظار داشت ایران امنیت دیجیتال و اقتصاد جهانی را تامین کند ولی خود در محدودیت‌های اقتصادی به سر ببرد. تحریم‌های اقتصادی را تحمل کند، در محاصره دریایی قرار گیرد و فشارهای اقتصادی و امنیتی را متحمل گردد و باز هم امنیت کابل‌ها را برای همسایگان و شرکت‌های بزرگ فراهم کند.

عمده‌ی ارتباطاتی که کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس با شرکت‌های بزرگ مانند گوگل، مایکروسافت، آمازون و ... دارند، از طریق کابل‌های زیردریایی و اینترنتی است. اقدامات ایران در ارتباط با این کابل‌ها می‌تواند شامل سلسله‌مراتبی از تدابیری باشد که در درجه اول بدون هرگونه آسیب فیزیکی و محدودیت گسترده، صرفاً در قالب اخذ عوارض و هزینه عبوری باشد و از سوی دیگر می‌تواند در تنش‌های بزرگتر نظامی و اقتصادی که متوجه ایران می‌شود حتی به صورت قطع کامل نیز مورد استفاده قرار بگیرد. مهم این است که به صورت اقدامی کارآمد و البته متقابل بتواند هم بازدارنده باشد و هم اینکه عایدی متناسبی با توجه به اقدامات برای ایران به همراه داشته باشد.

### **وضعیت حقوقی کابل‌های زیردریایی**

کابل‌های اینترنتی که از خلیج فارس عبور میکنند، متعلق به کنسرسیوم‌های بین‌المللی هستند که شامل شرکت‌های مخابراتی از اروپا، آسیا و آمریکا می‌باشند. این کابل‌ها از طریق قراردادهای پیچیده‌ی حقوقی مستقر شده‌اند و اداره آن‌ها نیز تابع همین مقررات است وضعیت ایران در این خصوص صرفاً در قالب یک کشور میزبان این کابل‌ها می‌باشد که می‌تواند واجد تکالیفی برای او باشد وای نقشی اساسی در اداره و استقرار آن‌ها ندارد. علیرغم عدم اختیارات قانونی برای ایران در مسدود کردن یا هرگونه محدودیت دیگر در این کابل‌ها، در وضعیت تنش و جنگ که الزامات خاص خود را دارد، می‌تواند متفاوت از

موقعیتی باشد که ایران صرفاً یک محل عبور است. بنابراین گزینه ایجاد اخلاف در مسیر کابل های اینترنتی به عنوان موضوعی مهم قابل بررسی است.

### لازمه ی انجام برخی از محدودیت های در عبور کابل های اینترنتی

با توجه به اینکه هر گونه اخلاف ایران در عبور کابل های اینترنتی از تنگه هرمز می تواند به عنوان محدودیتی برای ایران در استفاده از ابزار اینترنت جهانی محسوب شود، لذا ضروری است زیرساخت های دیجیتال داخلی تقویت شده و از ابزارهای اینترنت ملی و دیگر راهکارهای توسعه فضای مجازی استفاده شود. به عبارت دیگر نایستی اقدام ایران در محدودسازی کابل های زیردریایی به گونه ای باشد که برای فعالیت های داخلی آسیب و مشکلاتی را فراهم آورد.

### توجیه منطق حقوقی و سیاسی ایجاد محدودیت در تنگه هرمز

زمانی که متجاوزین غیرقانونی اقدام به کشتار کودکان و غیرنظامیان بی گناه کرده و حتی از ترور مقامات سیاسی ایران نیز ابائی ندارند، هر جنایتی را در ایران مرتکب شده اند و آن را هزینه جنگ قلمداد کرده اند. با ایجاد محدودیت در تجارت دریایی ایران، در پی ایجاد تنش های اقتصادی هستند، جنگ داخلی را حمایت میکنند، از تجزیه و مسلح کردن گروه های تجزیه طلب سخن می گویند و هرگونه تهدید به حمله به زیرساخت ها و حتی نابودی تمدن ایرانی را به عنوان توثیت های رسمی خود، امری معمول می دانند، به نظر نمی رسد که، اقدامات ایران در محدود کردن اینترنت و ارتباطات دیجیتال، امری غیرمنطقی باشد. به هر حال در این تنش های نظامی، اقتصادی و جغرافیایی ایجاد شده که هیچ کدام مبتنی بر قانون نیست، بایستی برای ایران، حقوق دفاعی را قائل شد و ابزارهای دفاعی و بازدارنده را مجاز شمرد نمی توان برای کشورهای منطقه و جهان، ملاحظاتی را اعمال کرد در حالیکه جان میلیون ها ایرانی در خطر است و هر لحظه احتمال افزایش سطح تنش و درگیری نظامی وجود دارد.

**Title :**

**Iran's right to close the Strait of Hormuz  
legitimate self-defense or violation of the  
law of the sea?**

**The Writer:**

**Mahmoud Rashnavaz**

**Doctoral student of International Law, Emirates  
Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE**

**member of the center of lawyers, official experts and  
consultants of the judiciary**

۲۰۲۶/۰۵/۲۴

کابل های زیر دریایی منطقه

کابل های اینترنتی جهانی